

کارکرد خانواده از دیدگاه روان‌شناسی با نگرش به منابع اسلامی

داود حسینی*

چکیده

امروزه به تبع تغییر و تحولات گسترده در عرصه‌های اجتماعی و تأثیرپذیری جوامع از فرهنگ‌های بیگانه و نیز هجتمه گسترده برخی فرهنگ‌ها به ارزش‌ها و هنجارهای ملی و سنتی، کارکرد خانواده دچار تغییرات بسیاری شده است. اما به رغم این تحولات، خانواده توانسته است نقش خود را در تعلیم و تربیت، انتقال افکار و ارزش‌ها، تأمین نیازهای مادی و معنوی و انتقال مفاهیم عمیق اخلاقی و اجتماعی ایفا نماید.

بررسی کارکردهای خانواده از موضوعاتی است که مورد توجه صاحب‌نظران رشته‌های مختلف مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌درمانگری قرار گرفته، به گونه‌ای که برخی کارکردهای خانواده را می‌توان از مباحث بین‌رشته‌ای برشمرد.

اگر خانواده به دلایلی همچون فقر، بی‌سوادی، ناآگاهی اجتماعی و اقتصادی، و نداشتن تکیه‌گاه برای تأمین نیازهای مادی و معنوی، قادر به انجام کارکردهای خود نباشد، به‌ناچار اعضای آن برای تأمین نیازهای خود به خارج خانواده روی می‌آورند و در نتیجه، دچار مشکلات رفتاری، ارزشی، اخلاقی و هنجاری می‌شوند. این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای، به بررسی این موضوع پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: خانواده، کارکرد، ایفای نقش، ارتباط، کنترل، دخالت عاطفی.

مقدمه

رشد و تعالی شخصیت انسان گام برمی دارد. این نهاد مقدس طی قرون متمادی و بخصوص در چند قرن اخیر، شکل‌های متفاوتی را تجربه کرده و در فرهنگ‌های گوناگون قالب‌های متفاوتی را به خود گرفته است. با وجود این، خانواده در شکل‌های مختلف آن همواره کارکردهای مهمی را دارا بوده است.

مطالعه کارکردهای خانواده از دیرباز مورد توجه روان‌شناسی قرار گرفته است، به گونه‌ای که یکی از بخش‌های مهم روان‌شناسی خانواده‌درمانی است که به معضلات خانواده و ناتوانی خانواده در انجام وظایف و کارکردهای ناقص و شیوه‌های درمان آنها می‌پردازد. در کنار دیدگاه روان‌شناسی در زمینه کارکرد خانواده، اسلام هم با پیشینه بیش از ۱۴۰۰ سال، تشکیل خانواده را مورد تأکید قرار داده تا جایی که هیچ بنایی را محبوب‌تر از خانواده در نزد خداوند نمی‌داند^(۱) و برای سلامت خانواده کارکردهایی را برای آن تعریف کرده است.

با توجه به اهمیت خانواده، این نوشتار بر آن است که رویکرد روان‌شناسی به کارکردهای خانواده را مورد بررسی قرار دهد و نگرش اسلام را در این زمینه جویا شود. بنابراین، سؤال اساسی این است که کارکردهای خانواده از دیدگاه روان‌شناسی کدامند و نظر اسلام درباره آنها چیست؟

کارکرد خانواده

در زمینه کارکرد خانواده، هم روان‌شناسان و خانواده‌درمانگران و هم جامعه‌شناسان به بحث و بررسی پرداخته‌اند، و هریک به گونه‌ای برای خانواده کارکردهایی را بیان کرده‌اند.

خانواده در ساختار جامعه، همچون «اتم» در ساختمان اجسام طبیعی است. در ساختمان «اتم» دو جزء اصلی به نام‌های «الکترون» و «پروتون» وجود دارد. این دو جزء در حال جذب و انجذاب یکدیگرند، با این تفاوت که هر یک نقش ویژه‌ای دارند. «پروتون» هسته مرکزی است و «الکترون» ضمن تکاپوی شبانه‌روزی، همواره بر گرد مرکز خود می‌چرخد و از حوزه جاذبه محور مرکزی خود خارج نمی‌شود و از آن فاصله نمی‌گیرد و اگر نیروی شکننده اتم - که نیروی قهری و غیرطبیعی است - این دو جز مکمل را از حوزه جذب و انجذاب یکدیگر خارج کند نیروی عظیمی رها می‌شود که می‌تواند ویرانی‌هایی نیز به بار آورد!

زن و مرد دو جزء مکمل یکدیگر و سازنده «اتم خانواده» هستند. مرد «الکترون‌وار» بر محور وجود زن - که در حکم پروتون است - می‌چرخد. برای اینکه این «اتم» متلاشی نگردد، مرد نباید از حوزه جذب و انجذاب همسر خویش خارج شود و زن نیز نباید جاذبه وجودی خود را در کشش شوهر از دست بدهد. همان‌گونه که اتم طبیعی می‌تواند کارکردهای بسیاری داشته باشد، اتم خانواده نیز که از دو جزء مکمل تشکیل شده است می‌تواند کارکردهای زیادی داشته باشد و اگر این اتم شکسته شود، نه تنها کارکردهای لازم را نخواهد داشت، بلکه به یک نیروی مخرب تبدیل خواهد شد که عرش الهی را به لرزه درخواهد آورد.

از دیدگاه روان‌شناسی، خانواده یکی از نهادهای زیربنایی بنیاد و از ساختارهای اصلی جامعه به شمار می‌آید که همگام با دیگر ساختارهای جامعه در راه

ب. **وظایف تحولی:** وظایفی هستند که باید برای تضمین رشد سالم اعضا به موازات برآوردن نیازهای اولیه زندگی مورد توجه قرار گیرند. این نیازها عبارتند از: فراهم آوردن زمینه آموزش و کمال خانواده، تأمین محبت، تکریم متقابل، درک متقابل، ایجاد صمیمیت میان همسران باهم و والدین با فرزندان.

ج. **وظایف بحرانی:** وظایف خانواده در حوادث و رخدادها و مهارت توانایی مقابله با آنها را مورد توجه قرار می‌دهد. این وظایف شامل رویارویی با وقایع غیرمنتظره همچون مر عضو از اعضای خانواده، بیماری شدید یکی از اعضای خانواده، از دست دادن شغل، و نقل مکان از یک شهر به شهر دیگر می‌شوند.

وظایف پایه، تحولی و بحرانی، سلسله مراتب دارند؛ بدین صورت که اگر وظایف پایه خوب انجام نگیرند ممکن نیست دیگر وظایف (تحولی و بحرانی) انجام پذیرند؛ چنانچه وظایف تحولی صورت نگیرند وظایف بحرانی هم خوب انجام نخواهند گرفت.

ناتوانی در انجام وظیفه

موفقیت خانواده در هر یک از وظایف پایه، تحولی و بحرانی سبب می‌شود که خانواده از این لحاظ دچار کارکردی مطلوب باشد و آرامش نسبی در خانواده حاکم شود. اما شکست در هر یک از این وظایف، خانواده را دچار سردرگمی و ویرانی می‌نماید.

زندگی خانوادگی، نوعی زندگی اجتماعی است که بر پایه تعاون و همبستگی و همکاری اعضا سامان می‌یابد. همان‌گونه که در زندگی اجتماعی، انسان‌ها بدون یاری همدیگر نمی‌توانند نیازهای زیستی و روانی خود را برآورده نمایند، اعضای خانواده نیز برای

ویلیام آگبرن^(۲) و کلازک تسیبیتس^(۳) دو تن از جامعه‌شناسان در سال ۱۹۳۴ شش کارکرد اساسی را برای خانواده مورد تأکید قرار دادند که عبارتند از: تولیدمثل، حمایت و مراقبت، جامعه‌پذیری، تنظیم رفتار جنسی، عاطفه و همراهی و تأمین پایگاه اجتماعی.^(۴) اگرچه خانواده کارکردهای دیگری هم دارد؛ مانند: آموزش، تربیت دینی، تأمین نیازهای اقتصادی، رشد و تثبیت شخصیت و... ولی شش موردیادشده از کارکردهای مهم برای خانواده است.

استین هاور و همکارانش، فرایند کارکرد خانواده را در طول پنج بعد مطرح کردند که عبارتند از: ۱. انجام وظیفه؛ ۲. ایفای نقش؛ ۳. ارتباط (از جمله ابراز عاطفی)؛ ۴. دخالت عاطفی؛ ۵. کنترل.^(۵)

اگرچه این دو دیدگاه جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه در مورد کارکرد خانواده نقاط مشترکی با یکدیگر دارند، ولی از جهاتی با هم متفاوتند. اما آنچه دارای اهمیت است توجه به کارکرد خانواده در هر دو رشته علمی است و این امر اهمیت پرداختن به بحث کارکرد خانواده و انتظاری را که از خانواده می‌رود روشن می‌نماید. این مقاله به کارکردهای خانواده از دیدگاه روان‌شناسی می‌پردازد و نقشی را که اعضای خانواده می‌توانند در این زمینه داشته باشند مورد بررسی قرار می‌دهد.

فرایند کارکرد خانواده

۱. انجام وظیفه

وظایف خانواده را می‌توان به سه طبقه تقسیم کرد:^(۶)
الف. **وظایف پایه:** شامل اموری از قبیل تأمین نیازهای اولیه مانند خوراک، پوشاک، مسکن، امنیت و مراقبت بهداشتی می‌باشد.

برآورده شدن نیازهایشان به یاری یکدیگر نیازمندند. عدم موفقیت در تأمین نیازهای اولیه خانواده، عوارض ناگواری را برای خانواده به همراه دارد. روی آوردن به سرقت و بزه کاری، و تن دادن به خودفروشی در بین زنان بخشی از آثار ناتوانی خانواده در انجام وظیفه پایه است. همچنین ناتوانی در انجام وظایف تحولی، خانواده را دچار مشکلات عاطفی و روانی می‌کند. بسیاری از اختلالات و نارسایی‌های شخصیتی، خلقی و رفتاری ریشه در بی‌توجهی به انجام وظایف تحولی دارد. همه انسان‌ها نیازمند محبت، عاطفه و توجه دیگرانند و همچنین برای پرورش کمالات انسانی در خود، باید به دیگران محبت کنند.^(۷) همچنان‌که آبراهام مزولو در هرم نیازهای خود، از دوست داشتن و دوست داشته شدن به عنوان یک نیاز روحی نام می‌برد؛ یعنی همان‌گونه که انسان از عاطفه و توجه خویش دیگران را بهره‌مند می‌سازد، دوست دارد از عواطف و ابراز محبت دیگران بهره‌مند شود. بخصوص این ابراز محبت از سوی اعضای خانواده برای آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.^(۸) اگر خانواده نتواند این نیاز اعضای خود را ارضا کند، اعضای آن دچار اختلالات روحی - روانی می‌شوند.

انجام وظایف در مرحله بحرانی از اهمیت خاصی برخوردار است. بیماری یکی از عزیزان ممکن است از لحاظ عاطفی تکان‌دهنده باشد. فقدان فردی از اعضای خانواده یا دوستی صمیمی، یکی از تنیدگی‌زاترین حوادثی است که فرد در زندگی خود بدان دچار می‌شود و روند جبران آن ممکن است طولانی و دردناک باشد. خانواده و اطرافیان می‌توانند نقش مؤثری در کاهش تألمات

روحی داشته باشند؛ تحمل مصایب را برای یکدیگر آسان‌تر کنند و با ابراز محبت و ارائه کمک‌های مادی و معنوی با بحران به وجود آمده مقابله نمایند.

کوتاهی در انجام وظایف در مرحله بحرانی، می‌تواند ضربات جبران‌ناپذیری بر جای گذارد. از آن‌رو که افراد داغ‌دیده، بیمار و غریب از مایه‌های عاطفی بیشتری برخوردارند و به خاطر سختی شرایطی که در آن واقع شده‌اند عواطفشان جریحه‌دار گردیده، نیاز به توجه بیشتری دارند. اگر اعضای خانواده نتوانند در چنین موقعیت‌های دردآور مرهمی بر زخم‌های اطرافیان خود باشند، خانواده امید خود را به حیات از دست خواهد داد و دچار یأس و ناامیدی خواهد شد.^(۹)

در منابع اسلامی نسبت به انجام وظیفه برای اعضای خانواده سفارش‌های زیادی شده است، انجام وظیفه پایه به عنوان یکی از وظایف اساسی مردان، از اهمیت خاصی برخوردار است.

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «از ما نیست کسی که از لحاظ مال و ثروت در وسعت باشد، اما بر اهل و عیالش سخت بگیرد.»^(۱۰)

امام موسی کاظم علیه السلام می‌فرماید: «عیال مرد، اسیران او هستند؛ پس هر کس خدا به او نعمتی داده باید در مخارج اسیرانش توسعه بدهد، وگرنه ممکن است نعمت‌هایش گرفته شود.»^(۱۱)

در مباحث حقوقی اسلام، زن و فرزندان به عنوان واجب‌النفقة مرد شناخته می‌شوند؛ یعنی مرد باید هزینه‌های ضروری همسر، از جمله غذا، مسکن و لباس و حتی وسایل زینت و آرایش وی مانند عطر و خضاب را تأمین نماید. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «خوراک و پوشاک زنان به نحو متعارف بر شما

واجب است.»^(۱۲) امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله»؛^(۱۳) کوشش در جهت برآوردن نیازهای خانواده، مانند جهاد در راه خداوند است.

اسلام در زمینه وظایف تحولی، به همسران سفارش می‌کند که نسبت به یکدیگر با احترام و صمیمیت برخورد کنند. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿هُنَّ لِیَاسٍ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِیَاسٍ لَّهُنَّ﴾ (بقره: ۱۸۷)؛ آنان لباس شما هستند و شما لباس آنانید. به تعبیر قرآن، همسران باید برای یکدیگر آرایشگر، آرامش‌بخش، محبت‌آفرین و کمال‌آفرین باشند.

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «کسی که زن می‌گیرد باید او را احترام کند.»^(۱۴) حضرت علی علیه السلام نیز در خطبه «عید قربان» در خصوص وظیفه مردان نسبت به همسرانشان می‌فرماید: «در هر حال با ایشان مدارا کنید، و با آنان گفتاری نیک داشته باشید، شاید کردارشان را نیک سازد.»^(۱۵)

با توجه به آیات و روایات، انجام وظایف یکی از اساسی‌ترین کارکردهای خانواده از دیدگاه اسلام است و همسران علاوه بر تأمین نیازهای مادی اعضای خانواده و انجام وظایف پایه، نباید نسبت به وظایف تحولی، یعنی ابراز محبت و احترام به یکدیگر و سایر اعضای خانواده، کوتاهی نمایند.

۲. ارتباط

یکی دیگر از کارکردهای خانواده، کارکرد ارتباط است. در نگاه اول، کلمه «ارتباط» کلمه‌ای تعریف شده و بی‌نیاز از توضیح به نظر می‌رسد. اما اگر کمی دقت کنیم از خود خواهیم پرسید: راستی ارتباط یعنی چه؟ و عملکرد آن چگونه است؟

بروکس و هیث^(۱۶) ارتباط را فرایندی می‌دانند که طی آن، اطلاعات، معانی و احساسات را از طریق پیام‌های کلامی و غیرکلامی با دیگران در میان می‌گذاریم.^(۱۷) با توجه به بررسی‌های به عمل آمده، هر ارتباط سالم و سازنده‌ای از سه ویژگی مهم و کلیدی برخوردار است:

۱. سادگی و صداقت: در یک ارتباط سالم، اشخاص بدون پرده‌پوشی نقطه‌نظرهایشان را بیان می‌کنند و احساسات خود را صادقانه در میان می‌گذارند، خواه این احساسات مثبت و یا منفی باشد.

۲. همدلی و توجه: در یک ارتباط سالم، هریک از طرفین به احساسات و حال طرف مقابل بها می‌دهد و می‌کوشد تا او را درک کند.

۳. احساس امنیت و اعتماد: در یک ارتباط سالم، طرفین به یکدیگر اعتماد دارند و به اندازه کافی احساس امنیت خاطر می‌کنند تا مسائل و مشکلات خود را به طرزی سازنده با هم در میان بگذارند.^(۱۸)

انواع ارتباط: به طور کلی می‌توان ارتباط بین اعضای خانواده را به دو بخش کلامی و غیرکلامی تقسیم کرد:

الف. ارتباط کلامی: بخش عظیمی از ارتباط زوج‌ها به وسیله جنبه‌های گفتاری، یعنی زبان و ابرازهای کلامی، همراه است و این گفتار علاوه بر محتوا، از طریق تَن صدا، سرعت گفتار، مقدار گفتار و لحن آنها می‌تواند اثرگذار باشد.

ارتباط کلامی به دلیل آنکه روشن و صریح است، کمتر طرف مقابل را دچار سردرگمی و اشتباه می‌کند و می‌تواند نیاز گوینده را بهتر درک کند و به آن پاسخ مناسب دهد. از این رو، لازم است خانواده‌ها برای درک بیشتر یکدیگر زمانی را برای گفت‌وگوی با هم قرار دهند. این مسئله برای زنان از اهمیت بیشتری

برخوردار است. زنی که دچار اضطراب است به طور غریزی احساس می‌کند به گفت‌وگو دربارهٔ احساساتش و نیز مسائل احتمالی مرتبط با احساساتش نیازمند است.

زنان برای آنکه احساس بهتری کسب کنند، دربارهٔ مسائل گذشته و آینده و حتی مسائلی که راه‌حلی برای آنها وجود ندارد، صحبت می‌کنند. هرچه بیشتر حرف می‌زنند و توضیح می‌دهند، احساس بهتری پیدا می‌کنند.

ب. ارتباط غیرکلامی: ارتباط غیرکلامی بسته به بافت ارتباط، اهداف مختلفی را برآورده می‌سازد. ارتباط غیرکلامی می‌تواند به طور کامل جایگزین گفتار شود. مثلاً، یک شخص کر و لال را در نظر بگیرید. او برای برقراری ارتباط، فقط از دست‌هایش استفاده می‌کند. ما نیز گاهی اوقات اصلاً نمی‌توانیم از کلمات استفاده کنیم، به همین دلیل به حرکات بدن خود متوسل می‌شویم.

رفتارهای غیرکلامی علاوه بر اینکه مکمل گفتارند، حالات عاطفی را نیز می‌رسانند و بر غنای کلماتی که نشانگر حالات هیجانی ما هستند می‌افزایند. برای مثال، هنگام خوشحالی لبخند می‌زنیم و در مواقع تعجب نفس نفس می‌زنیم.

رفتار غیرکلامی به عنوان یکی از اجزای جدانشدنی فرایند ارتباط، تأکید ما را بر بخش‌های کلامی می‌افزاید و به تنظیم جریان ارتباط سخنگو و شنونده کمک می‌کند. (۱۹)

در تعالیم و توصیه‌های اسلام، به ارتباط سالم بین اعضای خانواده سفارش‌های زیادی شده است. قرآن کریم در ارتباط مردان با همسرانشان می‌فرماید: ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (نساء: ۱۹)؛ با آنان به

شایستگی ارتباط برقرار کنید.

اسلام برای استحکام بنای خانواده به زوجین سفارش می‌کند که به یکدیگر محبت نمایند و این محبت را در رفتارهای کلامی و غیرکلامی خود نشان دهند. رسول گرامی ﷺ در جواب زنی به نام حولاء که از وظیفه زن نسبت به همسر خود سؤال کرد، فرمودند: «... ای حولاء حق مرد بر همسرش این است که به خانه‌اش پایند باشد، با او مهربانی کند و محبت بورزد و نسبت به او دلسوز باشد.» (۲۰)

نشستن زوجین در کنار هم و گفت‌وگو کردن با هم، از اعتکاف در مسجدالنبی برتر دانسته شده است. پیامبر گرامی ﷺ می‌فرماید: «نشستن مرد نزد همسرش، نزد خداوند از اعتکاف در مسجد من (مسجدالنبی) برتر است.» (۲۱)

همهٔ این آیات و روایات اهمیت ارتباط سالم و آرامش‌بخش اعضای خانواده با یکدیگر را می‌رساند. در روابط سالم و صحیح، طرفین در مبادلهٔ عواطف و احساسات در فضایی مناسب مشارکت می‌نمایند، با یکدیگر هماهنگی پیدا می‌کنند و در این ارتباط عاطفی، تبادل محبت و عواطف به وجود می‌آید و کمبود توجه و احساسات مثبت از سوی اطرافیان جبران می‌شود و خلأ عاطفی از میان می‌رود. این نوع رابطه می‌تواند به صورت ابراز علاقه، گفت‌وگوهای دوطرفه و درک طرف مقابل نمایان شود.

۳. نقش‌ها

یکی از کارکردهای دیگر خانواده تعیین نقش‌هاست. نقش‌ها در قالب «رفتارهای توصیه شده و تکراری موجود در مجموعه‌ای از فعالیت‌های دوجانبه با سایر اعضای خانواده» تعریف شده است. (۲۲)

فرزندان در مدرسه، مساعدت اعضای بالغ در کسب و حفظ شغل و یاری آنها در رشد شخصی‌شان می‌شود. «کنترل و حفظ سیستم‌ها دلالت بر تأمین سرپرستی خانواده و فرایند تصمیم‌گیری، حفظ مرزهای خانواده و حفظ و تحقق هنجارهای آن دارد.» (۲۳)

سایر نقش‌های خانواده عبارتند از: کارکردهایی که ویژگی خانواده‌های خاصی است که معمولاً دچار مشکلات می‌شوند؛ مانند «سپر بلا»، «فرشته خانواده» و «ستمکش خانواده». (۲۴)

قرآن کریم در تخصیص نقش به منظور کارکردی سالم برای خانواده، برخی از نقش‌های ضروری و نقش کنترل و حفظ نظام‌های خانواده را به مرد خانواده سپرده است تا تأمین امور مادی خانواده، حمایت از اعضای خانواده، سرپرستی خانواده و فرایند تصمیم‌گیری و حفظ مرزهای خانواده محقق شود؛ آنجا که می‌فرماید: ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ﴾ (نساء: ۳۴)؛ مردان سرپرست زنان هستند؛ زیرا خداوند برخی از انسان‌ها را بر برخی دیگر برتری بخشیده است، و نیز از آن‌روی که =مردان از اموال خویش [برای زنان] خرج می‌کنند.

امام باقر علیه السلام در زمینه تقسیم کار و اختصاص نقش که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام در نظر گرفتند می‌فرماید: «چند روزی از ازدواج فاطمه علیها السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام نگذشته بود که خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسیدند و از ایشان تقاضا کردند کارها را میان آن دو تقسیم کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کارهای خانه را به فاطمه علیها السلام سپردند و مسئولیت‌های خارج از منزل را به علی علیه السلام واگذار کردند.» امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «فاطمه علیها السلام فرمود:

انجام وظیفه نیازمند این است که تخصیص نقش متناسبی وجود داشته باشد و اعضای خانواده فعالیت‌های خواسته شده را بر اساس تخصیص نقش، انجام دهند. نقش‌ها باید تخصیص یابند، توافق صورت گیرد و به عمل درآیند. همچنین باید اعضای خانواده با یکدیگر یکپارچه گردند. برای اینکه یک وظیفه به نحو شایسته‌ای انجام گیرد، باید نقش‌ها همه آنچه را که باید انجام شود دربر گیرند.

تعیین نقش‌ها در خانواده برای اعضای خانواده از اهمیت خاصی برخوردار است و در ایجاد آرامش روانی بسیار مؤثر است.

در خانواده‌های سنتی بسیاری از نقش‌ها وجود دارد که باید یکی از اعضای خانواده آن را به عهده بگیرد، ولی به شیوه‌های رسمی و تقسیم کار تخصیص نمی‌یابد، بلکه بیشتر به صورت الگوهای عاداتی نقش اختصاص می‌یابد. مثلاً، زنان خانه کارکردهای داخل خانه را انجام می‌دهند و مردان و کودکان کارهای خارج از خانه را بر عهده می‌گیرند. در میان زنان هم نوعی تخصیص نقش صورت می‌گیرد. کارهای سنگین و مهم خانواده بر عهده مادر خانواده و کارهای سبک و ساده بر عهده دختران گذاشته می‌شود و همچنین در میان مردان.

براساس الگوی مک مستر، نقش‌های خانواده به دو بخش متمایز تقسیم می‌گردند: نقش‌های «ضروری» و «سایر نقش‌ها».

کارکردهای ضروری، شامل تأمین امور مادی، تغذیه، حمایت اعضای خانواده، ارضای جنسی زن و شوهر، ایجاد مهارت‌های زندگی و حفظ و کنترل نظام خانواده می‌شود.

«ایجاد مهارت‌های زندگی» شامل حمایت

تنها خدا می‌داند که بازداشتن من از وظایف مردان چقدر مرا خوشحال کرد.» (۲۵)

یکی از نکات مهم در این زمینه پایبند بودن اعضای خانواده به تقسیم نقش و انجام وظایف محوله به آنهاست. اگر اختصاص نقش صورت بگیرد ولی اعضای خانواده از نقش خود رضایت نداشته باشند نظام خانواده دچار مشکل می‌شود. در سایه تقسیم نقش پیامبر ﷺ و رضایتمندی دخترش، بالاترین آرامش برای فاطمه ﷺ ایجاد شد که از آن پس در پناه تلاش‌های اقتصادی و معیشتی همسر بزرگوار و مهربان خود به خانه‌داری و تربیت فرزندان پرداخت.

امام صادق ﷺ می‌فرماید: «در سایه تقسیم نقشی که پیامبر اکرم ﷺ بین فاطمه ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ ایجاد کرد، امیرالمؤمنین هیثم‌کشی می‌کرد و آب می‌آورد و جارو می‌کرد و فاطمه ﷺ گندم را آرد می‌کرد و خمیر می‌نمود و نان می‌پخت.» (۲۶)

۴. دخالت عاطفی

یکی از نیازهای اساسی اعضای خانواده، نیازهای عاطفی و هیجانی آنهاست که عبارتند از: دوست داشتن، مورد محبت قرار گرفتن، عشق ورزیدن به دیگران، مورد حمایت قرار گرفتن از سوی اعضای خانواده، شاد شدن به وسیله اعضای خانواده و شاد کردن آنها و مانند اینها. بعضی از نیازهای عاطفی می‌تواند توسط افراد خارج از خانواده برآورده شود؛ مانند دوران طبیعی رشد و مقطع نوجوانی که گرایش نوجوان به همسالان زیاد است و از طریق دوستان و همسالان بعضی از نیازهای عاطفی خود را ارضا می‌کند. اما محیطی که به شکل آرمانی می‌تواند نیازهای هیجانی و عاطفی اعضای خود را ارضا

نماید خانواده است.

یکی از کارکردهای خانواده که هم در الگوی مک مستر و هم الگوی فرایند مورد اشاره قرار گرفته، «دخالت عاطفی» است. استینهاور و همکارانش، دخالت عاطفی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «درجه و کیفیت علاقه و نگرانی اعضای خانواده نسبت به یکدیگر را دخالت عاطفی می‌گویند.» (۲۷)

براساس اینکه اعضای خانواده چقدر به یکدیگر علاقه دارند، نسبت به یکدیگر احساس وظیفه می‌کنند و با یکدیگر درمی‌آمیزند و شدت این آمیختگی چقدر است، دخالت عاطفی به انواع مختلف تقسیم می‌شود.

الگوی مک مستر و الگوی فرایند انواع دخالت عاطفی و درجه آمیختگی اعضای خانواده را این‌گونه فهرست کرده‌اند:

الف. **عدم دخالت (یا فقدان دخالت):** اعضای خانواده بیشتر «مانند غریبه‌ها در خانه‌ای بزرگ» زندگی می‌کنند.

آنها غالباً تنها هستند، کار به کار دیگری ندارند، مشکل دیگری مشکل او نمی‌باشد. هریک از اعضای این خانواده به فکر این است که مشکل خود را حل کند و گلیم خود را از آب بیرون بکشد، در مقابل غم و رنج سایر اعضای خانواده غمگین و رنجور نمی‌شوند. اعضای این خانواده کامروا نیستند.

ب. **علاقه (یا دخالت):** در چنین خانواده‌ای به نظر می‌رسد آمیختگی اعضای خانواده با یکدیگر، از احساس وظیفه و نیازی نشأت می‌گیرد که یک عضو نسبت به کنترل عضو دیگر دارد.

ج. **آمیختگی خودخواهانه:** در اینجا عضوی از خانواده به منظور حفظ احساسات ارزشمند خویش با عضو دیگر همراه می‌شود، نه به خاطر مراقبت یا نگرانی

سازندگی و بالندگی اعضای خانواده شود و در مقابل، سبک‌های کنترل غلط، بی‌تفاوتی، بی‌نظمی و تنبلی را بر خانواده حاکم می‌نماید.

روان‌شناسان چهار سبک پایه برای کنترل رفتار اعضای خانواده ارائه کرده‌اند: خشک، انعطاف‌پذیر، بی‌تفاوت و هرج و مرج. (۳۱)

۱. **کنترل خشک:** (۳۲) اعضای خانواده برای اینکه دچار مشکل نشوند سعی می‌کنند رفتار یکدیگر را کنترل کنند. یکی از سبک‌های کنترل که ممکن است بر خانواده حاکم شود، سبک کنترل خشک است؛ با یک مقررات ثابت و غیرمنعطف و بدون در نظر گرفتن موقعیت‌هایی که ممکن است برای خانواده پیش بیاید و نیاز به هماهنگی با آنها باشد. این سبک از کنترل قابلیت پیش‌بینی بالایی دارد، اما سازندگی آن پایین است و قابلیت سازگاری با تغییرات احتمالی در خانواده را ندارد. مثلاً، اگر فرد جدیدی به اعضای خانواده افزوده شود یا یکی از اعضا خانواده را ترک کند، ساختار خانواده به هم خواهد ریخت و احتمالاً این سبک کنترل موفقیتی نخواهد داشت.

نتیجه این سبک کنترل در خانواده معمولاً انهدام، رفتار پرخاشگرانه، کشمکش قدرت و انتقال خشم به بیرون از خانواده خواهد بود. (۳۳)

۲. **سبک‌های انعطاف‌پذیر کنترل:** در کنترل به سبک انعطاف‌پذیر، اعضای خانواده نوعی کنترل و محدودیت بر یکدیگر اعمال می‌کنند ولی این کنترل مانع از استقلال و آزادی فکری همدیگر نمی‌شود. این نظارت بر رفتار یکدیگر سازنده و در جهت رشد و تعالی اعضای خانواده است. مقررات موجود بر کنترل رفتار در این سبک انعطاف‌پذیر است و به نحو مقتضی با موقعیت‌های جدیدی که رخ می‌دهد تغییر می‌کند.

واقعی نسبت به وی، بلکه برای برآورده کردن نیاز خود. **د. دخالت دلسوزانه:** با توجه به درک واقعی نیازهایی که هر فرد از اعضای خانواده با آنها دست به گریبان است، به سایر اعضا علاقه نشان می‌دهد و این علاقه به پاسخ‌هایی می‌انجامد که این نیازها را برآورده می‌سازد. (۲۸)

اسلام به عنوان دینی جامع، به نیازهای عاطفی توجه کافی مبذول داشته و تربیت انسان‌هایی حساس نسبت به نیازهای عاطفی دیگران را وجهه همت خویش قرار داده است و از راه‌های گوناگون، از جمله ایجاد نگرش صحیح به مسئله و ترغیب آنان و نیز ارائه الگوهای عملی، کوشیده برای برآوردن این نیاز اساسی بسترهای مناسب را فراهم آورد.

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «این سخن مرد که به همسرش می‌گوید: تو را دوست دارم هرگز از دل زن بیرون نمی‌رود.» (۲۹)

محبت در قلب زن نسبت به همسرش، و عشق در قلب مرد نسبت به همسرش از نشانه‌های وجود خداوند، و از نعمت‌های خاص پروردگار است و موجب صفا و صمیمیت در زندگی می‌شود و باید در جهت تداوم این عشق و محبت کوشید. خداوند در حدیثی قدسی می‌فرماید: «آفریده‌ها عیال من هستند، محبوب‌ترین آنها نزد من، مهربان‌ترین ایشان به آفریده من است، و آنکه در راه برطرف کردن نیازشان سعی و کوشش بیشتری دارد.» (۳۰)

۵. کنترل

این بُعد از کارکرد خانواده، از تأثیرات اعضای خانواده بر یکدیگر شکل می‌یابد. اعضای خانواده می‌توانند رفتار یکدیگر را کنترل کنند. کنترل با سبک صحیح و ابزارهای مناسب می‌تواند موجب

مرج مشخصه این خانواده‌هاست و بروز رفتارهای اخلاقی نابهنجار در تعاملات فردی و اجتماعی آنها کاملاً مشهود است.^(۳۶)

الگویی که آموزه‌های اسلامی در زمینه دخالت‌های عاطفی اعضای خانواده می‌دهد، الگوی مسئولیت سرپرست خانواده نسبت به سایر اعضای آن می‌باشد. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾ (تحریم: ۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خود را از آتش دوزخ نگاه دارید. مرد به عنوان سرپرست خانواده وظیفه دارد خود و اعضای خانواده را در جهت رشد متعادل و کمال انسان کمک کند و از مسائلی که موجب اختلال در کارکرد خانواده می‌شود جلوگیری نماید.

علّامه مجلسی در ذیل آیه ۶ سوره «تحریم» می‌نویسد: برای اینکه سرپرست خانواده بتواند وظیفه و مسئولیت خود را نسبت به اعضای خانواده انجام دهد باید به چند مسئله توجه کند:

۱. دعوت اعضای خانواده به بندگی خداوند؛
۲. فراهم کردن زمینه آموزش و فرایض و مسائل اخلاقی و تربیتی؛

۳. باز داشتن اعضای خانواده از گرایش به رذایل و ناهنجاری‌ها؛

۴. تشویق آنان به انجام کارهای پسندیده و فضایل انسانی.^(۳۷)

اسلام از رفتارهای مستبدانه و سختگیرانه با اعضای خانواده منع می‌کند^(۳۸) و رعایت رفتار پسندیده را کمترین کاری می‌داند که برای استمرار صمیمیت در میان همسران لازم است.^(۳۹)

آموزه‌های اسلام با رد بی‌تفاوتی نسبت به سرنوشت اعضای خانواده، آنان را مسئول اتفاقات و

این سبک به انجام وظیفه اعضای خانواده کمک می‌کند؛ زیرا جوهره حمایتی و آموزشی آن اعضای خانواده را به سوی شراکت و یکی شدن با آرمان‌ها و نقش‌های خانواده سوق می‌دهد.^(۳۴)

۳. **سبک‌های بی‌تفاوت:** اعضای خانواده خواسته‌های خود را آن‌گونه که می‌خواهند بدان دست یابند دنبال می‌کنند بدون اینکه از سوی دیگر اعضا احساس کنترل و تأثیرگذاری داشته باشند. آزادی مطلق حکمفرماست. کسی با کسی کاری ندارد، می‌گذارند هر کس هر کاری می‌خواهد انجام دهد. دیگری دخالتی در کار او نمی‌کند.

در خانواده‌های بی‌تفاوت همه چیز به حال خود است. تنبلی و بی‌سرانجامی بیش از سازمان‌یافتگی و عمل رواج دارد. معمولاً انجام وظیفه ضعیف است و اغلب مشکلاتی در روابط و تخصیص نقش وجود دارد. کودکان برخاسته از این خانواده‌ها اغلب رفتار ناامن و توجه‌طلب دارند، و کنترل تکانه و انضباط ضعیفی نشان می‌دهند. ورود به مدرسه که هم‌رنگی با هنجارهای خاص رفتاری را طلب می‌کند می‌تواند برای آنها مشکل‌زا باشد.^(۳۵)

۴. **سبک‌های هرج و مرجی کنترل:** این سبک‌ها در یک طیف گسترده‌ای قابل تغییر است و از سبک خشک تا منعطف و بی‌تفاوت اعمال می‌شود. هیچ‌کس نمی‌تواند پیش‌بینی کند که اعضای خانواده چه چیزی را می‌توانند انتظار بکشند. تغییر در سبک‌های کنترل بر اساس هوا و هوس اعضای خانواده صورت می‌گیرد، نه بر اساس موقعیت خاص و نیازهای خانواده.

از آن‌رو که یک کنترل مشخص و هماهنگ با نیازها وجود ندارد، فرزندان این خانواده از ثبات روحی و روانی برخوردار نیستند. بی‌ثباتی و هرج و

پی‌نوشت‌ها

- ۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۲.
2. William Ogburn.
3. Clark Tibbitts.
- ۴- حسین بستان، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۶۷.
5. Stein Hauer & others, *The Process Model of Family Functioning Canadian Journal of Psychiatry*, 1984, p. 19.
- ۶- حسین بستان، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۷۹.
- ۷- جمعی از مؤلفان، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۳۵۵.
- ۸- محمدرضا شرفی و همکاران، دانش خانواده، ص ۱۱۰.
- ۹- همان، ص ۳۵۴.
- ۱۰- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۶۹.
- ۱۱- میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۴۳.
- ۱۲- محمدبن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۵۶۷، ب «سقوط نفقة الزوجه».
- ۱۳- محمدبن یعقوب کلینی، کافی، ج ۵، ص ۸۸.
- ۱۴- میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۶۲، ب ۴۹.
- ۱۵- محمدبن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۰.
16. Brooks & Heath.
- ۱۷- اون هارجی و همکاران، مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی، ص ۲۰، به نقل از: بروکس و هیث، ص ۸۰.
- ۱۸- روبرت برنشتاین و مری لن گیراند، وابستگی سالم، ص ۵۲.
- ۱۹- اون هارجی و همکاران، مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی، ص ۵۱-۵۲.
- ۲۰- میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۴.
- ۲۱- محمدبن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۷۶.
- ۲۲- فیلیپ بارکر، خانواده درمانی پایه، ص ۱۰۰، به نقل از: استین هاور و همکاران.
- ۲۳- همان.
- ۲۴- همان.
- ۲۵- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸۱.
- ۲۶- همان، ج ۴۳، ص ۱۵۱.
27. P. D. Steinhauer & other, *The Process Model of Family Functioning*, p. 88.
- ۲۸- فیلیپ بارکر، خانواده درمانی پایه، ص ۱۰۲.

وقایع خانواده می‌داند و توصیه می‌کند که نسبت به سرنوشت یکدیگر حساس باشند.

پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «کلکم راعٌ و کلکم مسئول عن رعیتة»؛^(۴۰) همه شما مراقب و نگاهبان یکدیگرید و از آن سؤال می‌شود.

نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی کردیم کارکرد خانواده را از دیدگاه روان‌شناسی و با نگرش به منابع اسلامی مورد بررسی قرار دهیم، نتایج ذیل قابل بیان است:

۱. روان‌شناسان و جامعه‌شناسان، پنج کارکرد اساسی برای خانواده بیان کرده‌اند که عبارتند از: انجام وظیفه، ایفای نقش، ارتباط، دخالت عاطفی، و کنترل.
۲. وظایف خانواده، به سه طبقه قابل تقسیم است: وظایف پایه، وظایف تحولی و وظایف بحرانی. عدم توفیق در انجام وظایف در هریک از مراحل، خانواده را با مشکلات جدی مواجه می‌کند.
۳. از دیدگاه اسلام انجام وظیفه در تأمین نیازهای واجب‌النفقه جهاد در راه خدا دانسته شده است.
۴. ارتباط اعضای خانواده، اعم از کلامی و غیرکلامی، موجب آرامش روانی آنها و برتر از اعتکاف در مسجدالنبی دانسته شده است.
۵. انجام نقش‌ها در خانواده باید براساس توافق صورت گیرد و متناسب با توانایی اعضای خانواده باشد.
۶. اعضای خانواده باید نسبت به سرنوشت یکدیگر احساس مسئولیت نمایند و دخالت عاطفی آنها براساس دخالت دلسوزانه باشد.
۷. کنترل اعضای خانواده به وسیله یکدیگر و ابزارهای مناسب، می‌تواند موجب بالندگی اعضای خانواده شود.

- ۲۹- محمدبن یعقوب کلینی، *فروع کافی*، ج ۵، ص ۵۶۹.
- ۳۰- محمدبن یعقوب کلینی، *اصول کافی*، ج ۲، ص ۱۹۹.
- ۳۱- همان، ص ۱۰۳.
32. Rigid Control.
- ۳۳- سالوادر مینوچین و اچ. چارلز فیشرمن، *فنون خانواده‌درمانی*، ص ۳۱۰.
- ۳۴- فیلیپ بارکر، *خانواده‌درمانی پایه*، ص ۱۰۳.
- ۳۵- همان، ص ۱۰۳.
- ۳۶- جمعی از مؤلفان، *روان‌شناسی رشد*، ج ۲، ص ۸۷۱.
- ۳۷- محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۷۱، ص ۸۶.
- ۳۸- همان، ج ۷۶، ص ۳۶۶.
- ۳۹- همان، ج ۷۹، ص ۲۶۷.
- ۴۰- همان، ج ۷۵، ص ۳۸، ب ۳۵، ح ۳۶.
- ترجمه فرشاد بهاری و فرح سیا، تهران، رشد، ۱۳۸۱.
- نوری، میرزاحسین، *مستدرک الوسائل*، بیروت، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸، ج دوم.
- هارجی، اون و همکاران، *مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان‌فردی*، ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت، تهران، رشد، ۱۳۷۷.
- Hauer, Stein & other, *The Process Model of Family Functioning*, New York, Basic Book, 1984.

منابع

- بارکر، فیلیپ، *خانواده‌درمانی پایه*، ترجمه محسن دهقانی و زهره دهقانی، تهران، رشد، ۱۳۸۲.
- برنشتاین، روبرت و مری لن گیراند، *وابستگی سالم*، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، تهران، پیک بهار، ۱۳۸۳.
- بستان، حسین، *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳.
- جمعی از مؤلفان، *روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲.
- جمعی از مؤلفان، *روان‌شناسی رشد*، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۵.
- حرّ عاملی، محمدبن حسن، *وسائل‌الشیعه*، بیروت، دارالتراث العربی، بی تا.
- شرفی، محمدرضا و همکاران، *دانش خانواده*، تهران، سمت، ۱۳۸۳.
- کلینی، محمدبن یعقوب، *اصول کافی*، تهران، مکتبه‌الاسلامیه، ۱۳۷۹.
- —، *فروع کافی*، تهران، مکتبه‌الاسلامیه، ۱۳۷۹.
- مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
- مینوچین، سالوادر و اچ. چارلز فیشرمن، *فنون خانواده‌درمانی*،